



۱۱

طراوت این روزهای بارانی را با یک بسته سینمایی به صفحات فرهنگی آورده ایم؛
وقتی هوای سینما بارانی می شود!



۱۲

**حذف چینی
آمیتاب باچان!**



فرهنگ

شنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۷ :: شماره ۵۷۵۱



به بهانه پخش «خانه پوشالی» از تلویزیون
خانه ویران خوش رنگ و لعاب



۱۲

امروز چی داریم؟

میترا لبافی و باران و خانه پوشالی

همان طور که در گزارش صفحه سینمایی روز پنجشنبه دیدید، با سلام و صلوات وارد هفته کتاب و کتاب خوانی شده ایم. افتتاحیه این بحث را هم ساناز قنبری با گفت و گویش با امین زندگانی کلید زد که رفته رفته بود سراغ بازیگری که در یکی از تیزرهای سینمایی کتاب را تجربه کرده بود. حالا برای امروز هم آذر مهاجر مسیر بچه های سینمایی را ادامه داده و برای هفته کتاب سراغ یکی از خبرنگاران حوزه کتاب رفته تا یک مقدار خود ما خبرنگاران را هم تحویل گرفته باشد. مهاجر برای این کار سراغ **میترا لبافی** رفته. خبرنگاری که خیلی از ما را همراه با کتاب و کتاب خوانی در قاف تلویزیون دیده ایم و این روزها هم احتمالا بیشتر دیده باشیم. ورق بزنید و مشروح گفت و گو و خاطره بازی مهاجر با لبافی را در صفحه ۱۰ بخوانید.



حالا تا بحث کتاب و کتاب خوانی و این حرف ها داغ است این را هم بگویم که زینب مرتضایی فرد، خبرنگار ادبیات خواننده گروه که هنوز هم از شر پایان نامه و تیر و ترکش هایش رها نشده هم رفته **قلم های فارسی** که در تایپ و تایپوگرافی و امثالهم استفاده می کنیم و با استفاده از یک مقاله دانشگاهی و علمی، راجع به این موضوع کپ زده و حرف های بامزه و جذابی هم زده. گزارش مرتضایی فرد را هم می توانید در همین صفحه و در کنار همین ستون ببینید و بخوانید.



باران و روزهای بارانی با طراوت و البته سرد پاییزی هم بچه های سینمایی را سر ذوق آورده که ذره بین بردارند و دنبال رد پای باران در سینما بگردند تا بلکه حال و هوای بارانی و قشنگ این روزها به داخل صفحات فرهنگی جام جم هم کشیده شود. همین هم شده که ساناز قنبری با گزارش هزار و اندی کلمه خودش پای باران را به صفحه سینمایی گروه باز کرده تا بلکه تا وقتی که هنوز بارش ها تمام نشده، حالی داده باشد به باران و بارندگی. برای خواندن این گزارش هم طبق معمول همیشه ورق بزنید و بروید صفحه ۱۱ که به نام بخش سینمایی گروه سند خورده. سینمای جهان هم که در بین بچه ها گروه به نام کیکاووس زیاری سند خورده. حضرت کیکاووس به بهانه بخش مجموعه خفن و پر سر و صدا «**خانه پوشالی**» که حالا دیگر اسمش را هر بلی بشری روی کره خاکی شنیده و مخاطبان و طرفداران پرو پا قرص خودش را هم دارد رفته سراغ این موضوع و یک گزارش جذاب از صفر تا صد این مجموعه نوشته و گذاشته توی صفحه ۱۲. خلاصه اگر توی خانه شما هم برای دیدن این مجموعه دعواست و اهالی منزل به سر و کله هم می زنند گزارش زیاری را از دست ندهید که از کفتان رفته!



به مناسبت هفته کتاب پای حرف های خبرنگاری نشستیم که سال هاست در حوزه کتاب کار می کنند **فقط بین اهالی کتاب مشهور هستیم**

عکس یادگاری که لبافی با تندیس ژان وائرن در بیخ کتاب تهران گرفته است

کرد. او یک کتاب هم نوشته با نام «از گیرنده تا فرستنده» که درباره رسانه هاست و تجربه های او از یک عمر کار رسانه ای آن هم در عرصه کتاب را در بر دارد. امیدواریم خواندن مصاحبه موجب شود سری هم به این کتاب بزنید و تجربیات همکار و دوستتان میترا لبافی را مرور کنید.

ادامه در صفحه ۱۰

درباره میترا این را بیدانید که پرداختن به ادبیات کودک و نوجوان را بر سایر حوزه ها ترجیح می دهد و در کنار فعالیت های رسانه ای، دستی به قلم و برده و کتاب هایی ترجمه کرده که از آن جمله می توان به ده عنوان کتاب مجموعه فسقلی ها (سال ۱۳۷۵)، کتاب های پرس جادویی و مجموعه ده جلدی «دقت رفته باختر یک بچه لاجر» که پر فروش ترین کتاب نیویورک تایمز بوده، اشاره

نمی شود؛ چون باید از میان همه حرف هایی که شنیده ای و گفته ای و از لابه لای دل دادن و قلمه گرفتن ها، لقمه مناسب و دندان گیری استخراج کنی که به درد کسی بخورد. گفتنی که حاصل کپ و گفت من و میترا لبافی که به مناسبت هفته کتاب خوانی صورت گرفته بسختی تبدیل به چیزی شده که در ادامه می خوانید. قبل از هر چیز

گفت و گو با یک دوست و همکار قدیمی بسیار لذت بخش است و پر از درد دل های شخصی و دوستانه، خاطره بازی و احتمالا کمی شوخی یا مثلا گلايه. اما چنین گفت و گویی لزوما بسادگی برای انتشار آماده

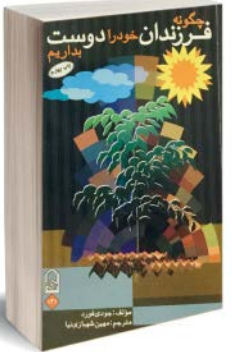


آذر مهاجر
ادبیات و هنر

محبت به فرزندان

خانواده مهم ترین و از نظر زمانی اولین نهاد تاثیرگذار در تکوین و شکل گیری شخصیت کودک است. در یک خانواده طبیعی و متعادل از نخستین حقوق کودک فراگیری روابط عاطفی و محبت از والدین است، و چنانچه این محبت از سوی آنها تامین نشود کودک دچار احساس ناامنی و عدم سازگاری با محیط خواهد شد. اما محبت وزی نسبت به فرزندان نیز امری است که نیاز به آموزش دارد و گرنه با توجه سطح معرفتی و اخلاقی والدین ممکن است در نوع و میزان و نحوه محبت به فرزندان افراط یا تفریط روی دهد. کتاب «چگونه فرزندان خود را دوست بداریم» تألیف جودی فورد که توسط خانم مهین شهبازی نیا به فارسی ترجمه و توسط خانم سیمین عارفی مورد ویرایش علمی قرار گرفته از کتاب های مفید در این موضوع است. کتاب شامل دو فصل است. در فصل اول مباحثی از جمله وظایفی که والدین باید بیاموزند، شنیدن سخن کودک و درک او، آموزش ارزشهای اخلاقی با نمونه های عملی، توجه به تفاوت های فردی فرزندان مورد اشاره قرار گرفته است.

فصل دوم به مطالبی در باره لزوم



چرا فینگیلش می نویسند؟

کاربران این روزها نیاز به فونت های زیباتر و جذاب تر دارند

چقدر با صفحه ورد سر و کار دارید؟ چقدر کتاب و روزنامه می خوانید؟ اصلا هیچ کدام اینها هم که نباشد، در کوچه و خیابان به بنرهای تبلیغاتی را نگاه می کنید و چشمتان به گرافیک آنها می افتد. تا به حال دقت کرده اید که برخی فونت ها چشم نواز نیستند و آن طور که باید نگاه بیننده را به سمت خود نمی کشانند؟ اما مشکل کار کجاست؟ اما اگر همین کلمات و نوشته ها را وقتی با فونت انگلیسی مقابلتان بگذارند متوجه چشم نوازی و زیبایی آنها می شوید و در مقایسه با نمونه فارسی اش آن را ستایش می کنید.

شاید همین موضوع هم به اتفاقاتی از جمله استفاده بیشتر از فونت انگلیسی روی سررد فروشگاه های مختلف شده است و فارسی را به حاشیه رانده است، تا جایی که هر از گاهی مسئولان این موضوع را به عنوان یک اجبار مطرح کنند که در کنار نوشتن انگلیسی نام برنده ها و... باید حتما به فارسی هم نوشته شوند و چهره خیابان ها را غیرایرانی نکنند. اما شاید لازم باشد ما چرا از بعد دیگری هم بررسی شود و این موضوع روشن شود که چرا فونت فارسی نمی تواند آن طور که باید چشم و دل ها را برآید. چطور وقتی همین حروف فارسی در قالب خوشنویسی استادان این عرصه در کنار هم قرار می گیرند، بسیار زیبا از کار درمی آیند و همه را به تحسین و امی دارند. پس مسلما ما در طراحی فونت فارسی به آنجا که باید نرسیده ایم و با معضلاتی که از آنها حرف زدیم، مواجهیم. اما این معضلات چه هستند و چگونه می توان آنها را حل کرد؟



زینب مرتضایی فرد
ادبیات و هنر

نبود فونت اختصاصی

همین حالا بلند شوید و یک کتاب بزرگسال و کتاب کودک را با هم مقایسه کنید، شاید فونت های روی جلد کتاب ها کمی تفاوت داشته باشند، اما به احتمال خیلی زیاد متن آنها فونتی یکسان دارد. کتاب ها هم فارغ از موضوعشان فونتی یکسان دارند و همین نشان می دهد در صنعت نشر ایران امروزه حروف جایگاه خود را پیدا نکرده اند و آثار چاپی از روزنامه و مجله گرفته تا کتاب شکل گرافیکی که باید را پیدا نکرده اند. مثلا در صفحات روزنامه ها از چند فونت مختلف استفاده می شود و این موضوع از نظر بصری اتفاق خوبی را برای مخاطب ایجاد نمی کند.

این چشم نواز نبودن در فضای مجازی هم مشکلاتی ایجاد کرده و خیلی ها بخصوص جوانان را به سمت فینگیلش نویسی سوق داده است. البته در میان قلم هایی که برای استفاده از فضای رسانه های الکترونیکی طراحی شده نمونه های موفقی قرار دارد که برخی از آنها را در صدا و سیما هم می بینیم. در شبکه سه و زیرنویس های شبکه خبر می توان نمونه های خوبی از این فونت را مشاهده کرد.

حالا چه کنیم؟

اما حالا در برابر این مشکلات چه کارهایی می توان انجام داد. در مقاله «چالش های فرهنگی کمبود قلم های فارسی مناسب در ایران» نوشته سودا به صالحی، احمد صالحی کاخکی و محمد درویشی چند راه حل براین موضوع آمده است. اول این که طراحان فونت لطف کنند و چشمشان را از شیوه طراحی فونت های غربی بردارند و فونت فارسی را بهتر و دقیق تر بشناسند. سنت های خط فارسی را دوباره مرور کنند و با شناخت دقیق از حروف دست به طراحی فونت بزنند. راهکار دوم هم این است که دانشگاه ها در آموزش شیوه متفاوت و درستی در پیش بگیرند و سرفصل های درس طراحی قلم را بازنگری کنند تا نتیجه بهتری بگیرند. روند فعلی مسیر فونت ها در طولانی مدت بر زیبایی شناسی جامعه تأثیر منفی خواهد گذاشت، هم فونت فارسی را ضعیف تر خواهد کرد و هم ذائقه استفاده کنندگان از آن را.

چند فونت فارسی کاربردی داریم؟

تعداد قلم یا فونت های زبان فارسی محدود است. از طرف دیگر همین تعداد محدود هم به یکدیگر شبیه هستند و علاوه بر این کاربردی هم نیستند! حالا فکرش را بکنید چطور باید از میان آنها دست به انتخاب زد و به نتیجه مطلوبی هم رسید. حدود ۶۰۰ قلم فارسی در نرم افزارهای مختلف فونت ارائه می شوند که اغلب آنها هم تزئینی و فانتزی و یا قلم های تیتتر هستند و چندان به کار استفاده در متن نمی آیند. اغلب همان فونت های تیتتری هم اگر قرار باشد، سررد مغازه ها یا جاکوش کنند نتیجه چندان مطلوبی ارائه نخواهند کرد و همین موضوع استفاده از آنها را دشوار می کند. حالا اگر قرار باشد بگویم چند فونت فارسی کاربردی داریم، مسلما سوال دشواری است و به عدد کوچکی هم خواهد رسید. کوچک در حد همان چند فونت محدودی که همه جا استفاده می شود و البته خالی از اشکال هم نیست. همین معدود فونت های خوب هم قدیمی هستند و پا به پای تحولات تجاری پیش نرفته اند. مثلا از عمر قلم زر که نسبتا پرطرفدار هم هست، ۶۰ سال می گذرد و طی این سال ها تحول و تکاملی نداشته است.

ادامه در صفحه ۱۰